



Explaining the Theory of the Revolutionary System Based on the Thoughts of the Supreme Leader

Mohammad Ali Khoshtinat

Assistant professor and faculty member of the Department of Education, Army University of Medical Sciences, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: khoshtinat2001@yahoo.com

Rahman NajafiSayyar

Assistant Professor of International Relations at Supreme National Defense University, Tehran, Iran

Abstract

The theory of "revolutionary system" is a new theory in the literature of revolutions, which was proposed by the supreme leader of the revolution in February 2017 in the statement of the second step of the revolution. Although on the surface of this theory, it seems a contradictory concept, but it has deep philosophical foundations. The main question of the current research is what are the dimensions and components of this theory? The research method is descriptive-analytical, and the statements of the Imams of the Islamic Revolution, especially the Supreme Leader of the Islamic Revolution, especially in the statement of the second step of the revolution, are the source of reference and analysis.

The research results show that this theory has three philosophical, functional and ideal dimensions. Negation of left and right ideologies, lack of Thermidor and ideological rotation, lack of normalization and integration of politics and religion are some of the components of this theory in the intellectual and philosophical field. In the functional field, neither to deconstruction and destruction, nor to conservatism and anarchism, nor to the theory of institutionalization, revolutions are one of the main components of this theory in the functional field, and its ideal is to lay the groundwork for the realization of the new Islamic civilization.

Keywords: Islamic Revolution, Supreme Leader, Theories of Revolution, Revolutionary System, New Islamic civilization



تبیین نظریه نظام انقلابی با ابتنا بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

محمدعلی خوش‌طینت

استادیار گروه معارف دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: khoshtinat2001@yahoo.com

رحمان نجفی سیار

استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

چکیده

نظریه «نظام انقلابی» نظریه جدیدی در ادبیات انقلاب‌ها است که توسط مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بهمن‌ماه ۱۳۹۷ در بیانیه گام دوم انقلاب مطرح شد. اگرچه در ظاهر این نظریه، مفهومی متناقض به نظر می‌رسد؛ اما دارای مبانی عمیق فکری فلسفی است. پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که ابعاد و مؤلفه‌های این نظریه چیست و مضامین سازمان‌دهنده و پایه آن کدام‌اند. این مقاله توصیفی-تحلیلی و به لحاظ روش‌شناسی تحقیق، بر مبنای تحلیل مضمون داده‌های کیفی است. روش گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از نظرات خبرگان حوزه علوم سیاسی با کاربست بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به‌ویژه در بیانیه گام دوم انقلاب، است. نتایج و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نظریه «نظام انقلابی» دارای سه بُعد فکری فلسفی، عملکردی و نیز آرمانی است. نفی ایدئولوژی‌های چپ و راست، عدم چرخش ایدئولوژیک، عدم بهنجارسازی و تجمیع سیاست و دیانت برخی از مؤلفه‌های این نظریه در حوزه فکری و فلسفی است. در حوزه عملکردی نیز نه به ساختارشکنی و ویرانگری، نه به محافظه‌کاری و هرج‌ومرج طلبی و نیز نه به نظریه نهادسازی انقلاب‌ها از عمده‌ترین مؤلفه‌های این نظریه در حوزه عملکردی بوده و وجه آرمانی آن نیز زمینه‌سازی برای تحقق تمدن نوین اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، نظریه‌های انقلاب، نظام انقلابی، تمدن نوین اسلامی



مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران نه تنها جامعیت نظریه‌های پیرامون انقلاب‌ها در دنیا را زیر سؤال برد، بلکه خود منشأ تحولات اساسی نیز در ابعاد نظریه‌پردازی انقلاب‌ها شد. برخی نظریات پیرامون انقلاب اسلامی، نگاهی تک‌بعدی و تک‌علتی داشته و آن را ناشی از عوامل سیاسی، اقتصادی، روان‌شناختی، فرهنگی و مذهبی و ... دانسته‌اند. برخی دیگر از نظریه‌پردازان نگاهی چندعلتی و ترکیبی به انقلاب اسلامی داشته و آن را ناشی از مجموعه‌ای از عوامل می‌دانستند. برخی دیگر از نظریه‌پردازان نیز وقتی نظریه قبلی خود پیرامون انقلاب‌ها را ناتوان از تبیین وقوع انقلاب اسلامی ایران دیدند، درصدد جرح و تعدیل و تکمیل آن برآمدند؛ اما درمجموع هیچ‌یک از این نظرات نتوانستند تبیین‌کننده ماهیت اصلی و حقیقی وقوع انقلاب اسلامی ایران باشند.

نظریه «نظام انقلابی» مفهوم جدیدی در ادبیات سیاسی و نظریه‌های انقلاب است که توسط مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۷ و در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی مطرح شد. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی فرمودند: «انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند؛ بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند». مفهوم «نظام انقلابی» به ظاهر ممکن است مفهومی متناقض به نظر برسد؛ چراکه بین دو مفهوم «نظام» که تبلور ثبات، نظم و نشان‌دهنده حفظ وضع موجود است و «انقلاب» که ناظر به دگرگونی، تحول و نیز برهم‌زدن وضعیت موجود است، اساساً سنخیت و هم‌خوانی وجود ندارد؛ اما دقت در این نظریه، نشان می‌دهد که این مفهوم به ظاهر متناقض، نظریه جدیدی در تئوری‌های انقلاب است.

«نظام انقلابی» از منظر مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی)، مهم‌ترین مشخصه متمایزکننده انقلاب اسلامی از سایر انقلاب‌ها و علت اصلی حفظ ماهیت آن پس از چهل سال است. بنابراین «نظام انقلابی» (که در ظاهر مفهومی متناقض است)، می‌کوشد معنی مصطلح نظام را از ذهن بزدايد و چهارچوبی برای گسترش ایدئولوژی انقلاب به تصویر بکشد که در آن خموشی و



رکود نامفهوم است. به نظر می‌رسد کاربرد این مفهوم، هم در مقابل نظریه‌های علمی انقلاب قرار می‌گیرد و هم تدوین نظریه جدیدی آن هم چهل سال پس از وقوع انقلاب اسلامی است. نظریه «نظام انقلابی» در واقع نظریه‌ای است که معطوف به تبیین و نیز حفظ و تداوم ماهیت اصلی انقلاب اسلامی در گام دوم است. بنابراین، با توجه به هجمه دشمنان انقلاب اسلامی خصوصاً در ابعاد جنگ ترکیبی و شناختی، حفظ ماهیت و اصول انقلاب اسلامی و جلوگیری از تحریف یا انحراف آن، تبیین مبانی و چهارچوب‌های حقیقی و واقعی آن ضروری به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به نظریه‌ها و دیدگاه‌های متعددی که در زمینه انقلاب‌ها خصوصاً نظریه «چرخش انقلاب‌ها» و یا موضوع «عادی‌سازی» انقلاب اسلامی ایران وجود دارد، تبیین شاخص‌ها و آرمان‌های انقلاب برای حفظ اولیه و اساسی آن و نیز رفع آسیب‌ها و چالش‌ها و پیرایه‌هایی که ممکن است در این مسیر در مواجهه با آن قرار بگیرد، از دیگر دلایل اهمیت و ضرورت پژوهش است. سؤال اصلی این پژوهش این است که اساساً ابعاد و مؤلفه‌های نظریه «نظام انقلابی» چیست و مضامین سازمان‌دهنده و پایه آن کدام‌اند؟

۱. مبانی نظری

شناخت دقیق‌تر ابعاد و مؤلفه‌های نظریه «نظام انقلابی» مستلزم شناخت دقیق ماهیت انقلاب اسلامی و نیز رهبران انقلاب و بالأخص امامین انقلاب اسلامی (امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) است. از همین رو، برای شناخت دقیق‌تر ابعاد و مؤلفه‌های نظریه «نظام انقلابی» باید منظومه فکری، اندیشه‌های سیاسی و دیدگاه‌های امامین انقلابی درباره انقلاب اسلامی را مورد واکاوی قرار داد. انقلاب اسلامی ترکیبی از دو واژه «اسلام» و «انقلاب» است که در آن اسلام «هدف» و انقلاب «وسیله» است. از همین رو، رهبری انقلاب و مردم در صدد بوده‌اند تا اسلام را به عنوان یک مکتب سیاسی و اجتماعی احیا کنند (حشمت‌زاده، ۱۳۷۸: ۳۳). ایدئولوژی حاکم بر انقلاب اسلامی، اسلام شیعی بود. رهبران اصلی انقلاب اسلامی، رهبران مذهبی به‌ویژه حضرت امام خمینی^(ره) بود. در حقیقت، نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه به عنوان نظامی منبعث از اسلام ناب، نخستین بار در اندیشه شیعه همراه با پیروزی انقلاب

اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی^(ره) در صحنه عمل ظاهر شده و سپس از سوی مقام معظم رهبری، ادامه یافته است.

بدون شک، انقلاب اسلامی یک دگرگونی «اجتماعی-سیاسی» ریشه‌دار و اساسی بود که با جایگزینی نظام سیاسی نوین و انتقال ناگهانی قدرت همراه شد. قیام قهرآمیز و ملیونی توده‌ها از عوامل تعیین‌کننده آن به شمار می‌آید. در یک کلام، همه عناصر موجود در انقلاب‌های بزرگ دنیا را در انقلاب اسلامی می‌بینیم. با وجود این، هیچ‌کدام از تعاریف معمول و رایج برای معرفی چیرستی انقلاب اسلامی کافی نیست. با این نگاه، انقلاب اسلامی دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن براساس، «جهانبینی»، «موازن و ارزش‌های اسلامی»، «نظام امامت»، «آگاهی و ایمان مردم»، «حرکت و پیشگامی متقیان» و «قیام قهرآمیز توده‌های مردم» استوار است (عمید زنجانی، ۱۳۸۱: ۲۰-۲۱). انقلاب اسلامی ایران، قیامی برای گذر از حیات طبیعی به «حیات طیب» بود و این حرکت تنها با بازخوانی کتاب وجود آدمی و بازیابی منزلت او در عالم آفرینش امکان‌پذیر است (مظاهری‌سیف، ۱۳۸۲: ۳۷۹). تفاوت مهم تمدن اسلامی با تمدن غربی در این است که در تمدن غربی، مادیات و قدرت سیاسی و علم همراه با معنویات و عدالت و اخلاق نیست؛ بنابراین بشر و جامعه بشری در اوج تمدن مادی غرب دچار بی‌هویتی، بیماری‌های روحی، فساد و جنایت و جنگ شده است. برای رسیدن به «تمدن اسلامی»، انقلاب اسلامی فصل نوین و نقطه عطفی بود که در عصر جاهلیت مدرن پدید آمد و دو تفکر و نظام لیبرالیسم غربی و سوسیالیسم شرقی را به چالش کشید. در حقیقت، انقلاب اسلامی دگرگونی هنجارهای عالی حیات را رقم زد و به پرسش از چیرستی حیات حقیقی انسان پاسخی شایسته داد.

انقلاب اسلامی ایران، انقلابی خاص و منحصر به فرد بود و آنچه باعث این خصیصه انقلاب شد، در امتداد نهضت انبیا^(ع) و انقلاب صدر اسلام و غیروابسته و غیردولتی بودن آن است. ایشان می‌فرماید: «انقلاب ایران، انقلاب غیروابسته اس». یک انقلاب دولتی نیست؛ یک انقلاب حزبی نیست؛ یک انقلاب ملی است؛ لکن براساس اسلام، انقلاب اسلامی است. ایران از همان



بدو انقلاب و قبل از بدو انقلاب که شالوده انقلاب ریخته می‌شد، مسیر، مسیر انبیا بود» (امام خمینی^(ره)، ۱۳۷۹، ج ۱۵: ۱۴۷).

انقلاب اسلامی، قیامی برای خدا بوده و در راه او و با تکیه و پشتوانه خداوند صورت گرفته است. در چنین قیامی که دارای پاکی و خلوص بوده است، نه تنها از ترس و شکست خبری نیست، بلکه آنچه اهمیت دارد، ادای تکلیف است تا درواقع، حقوق در جایگاه اصلی و واقعی خود قرار بگیرد. بنابراین می‌توان گفت انقلاب اسلامی، نمونه برجسته و بارز قیام برای خدا است (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۴۲۵). در نگاه امام خمینی^(ره) هر قیامی در اوج خود انقلاب است، خواه این قیام فردی باشد یا جمعی (نهضت). از منظر حضرت امام^(ره)، «انقلاب» و «نهضت» باید رویکردی خدایی و الهی داشته باشد؛ چنان‌که در این زمینه فرمودند: «برای خدا قیام کنید نه برای شهوات نفسانیه ... کوشش کنید که قیام شما، این نهضتی که دارید، نهضتی الهی باشد، لله باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۵۱۰).

حضرت امام خمینی^(ره) «انقلاب درونی» را از لوازم و شروط اساسی در محقق شدن نهضت اسلامی علاوه بر تحقق مادی و بیرونی انقلاب دانسته و معتقدند تغییر و تحول در تمام ارکان و حوزه‌های عقیدتی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیکی از امور ضروری در تحقق انقلاب است (دهشیری، ۱۳۷۹: ۴۹). انقلاب اسلامی ماهیتی الهی و خدایی دارد که با هیچ‌یک از معیارها و انگیزه‌های مادی و خصوصاً اندیشه‌های غربی مطابقت ندارد. تبعاً وقتی ماهیتی انقلابی خدایی شد، ارزش‌های و معیارهای انقلاب و اصولی که انقلاب اسلامی براساس آن استوار می‌شود؛ نیز بر مدار و محور دین و ارزش‌های اسلامی و الهی می‌چرخد.

نگاه رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) به اساس شکل‌گیری انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن، در راستای اندیشه‌های سیاسی امام خمینی^(ره) است. ایشان معتقدند در نظام مردم‌سالاری دینی، حاکمیت از آن خداوند بوده و این امر با ایمان، عواطف و آرای مردم پیوند خورده است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۸/۲۸). در منظومه فکری ایشان، خدا از جانب انبیای الهی و ائمه معصومین^(ع) و نیز با وضع احکام دینی انسان‌ها را هدایت می‌کند. در منظومه فکری رهبری معظم انقلاب ولایت فقیه درواقع تداوم ولایت امامان معصوم^(ع) و اصل

ولایت به معنای همان حکومت الهی است. در این نوع حکومت، اثری از خودپرستی و اقتدار خودخواهانه وجود ندارد.

در نظام مردم‌سالاری دینی مدنظر مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی)، رأی و نظر مردم در مقبولیت و نه مشروعیت نظام منشأ اثر است. بدین ترتیب، در اندیشه سیاسی ایشان، رهبری نظام که متصف به صفات الهی بوده، با اعمال ولایت خود از بسیاری از مفاسد و عیوبی که در نظام‌های مردم‌سالار غربی وجود دارد، به دور است. از منظر مقام معظم رهبری، نظام اسلامی با دموکراسی غربی ماهیتاً متفاوت است، چنان‌که می‌فرمایند: «مردم‌سالاری دینی رویکردی به غرب ندارد چون که دموکراسی و مردم‌سالاری در غرب، داشتن علم بدون اخلاق و معنویت است و به‌جای این‌که مردم‌سالار باشند، سرمایه‌سالار است و منافع زورمندان و سرمایه‌داران مدنظر است. از غرب هم نمی‌خواستیم و نمی‌توانستیم الگو بگیریم». (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۲/۲۳)

مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی)، در مقاطع مختلف و گوناگون بر موضوع «انقلاب» و «حرکت انقلابی» تأکید کرده‌اند. ایشان با کاربرد عباراتی چون «من انقلابی‌ام»، «مجلس خبرگان باید انقلابی باقی بماند، انقلابی فکر کند و انقلابی عمل کند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۶/۱۲) و یا «در مقابل جریان غیرانقلابی داخل نظام باید ایستاد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۱/۱۵) بر استمرار و تداوم حرکت‌های انقلابی و دوری از واپس‌گرایی تأکید دارند. در منظومه فکری ایشان، «انقلابی‌گری» پیشران اصلی برای رسیدن یک جامعه به اهداف آرمانی و ارزش‌های خود است (غلامی و سعیدی، ۱۴۰۰: ۱۰).

۲. پیشینه پژوهش

حسین‌زاده و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی و اعتبارسنجی شاخص‌های نظام انقلابی در اندیشه امام خامنه‌ای^(مدظله‌العالی)» درصد برآمده با استفاده از رویکرد هرمنوتیک زمینه‌گرا و روش دلفی و قصدگرایی کوئنتین اسکینر با عنایت به سه مؤلفه نیت، زمینه اجتماعی و زمینه زبانی مؤلف، شاخص‌های اصلی نظریه نظام انقلابی در اندیشه‌های مقام



معظم رهبری (مدظله‌العالی) را استخراج و معرفی کنند. مؤلفان چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که نظام انقلابی، نظامی است با پایه‌های دوگانه مشروعیت‌بخش مردمی و الهی که در چهارچوب ارزش‌های دینی و اراده آزاد مردم شکل گرفته و به ماده و معنا و دنیا و آخرت به‌صورت هم‌زمان توجه و تأکید داشته و هدف آن نیل به تمدن بزرگ اسلامی به‌عنوان غایت نهایی انقلاب اسلامی بوده است.

امینی و مبینی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین مفهوم راهبردی نظریه نظام انقلابی در جمهوری اسلامی ایران» معتقدند که نظریه نظام انقلابی از جهت مبانی فلسفی و مؤلفه‌های پایه با دیگر نظام‌های سیاسی دنیا دارای تفاوت‌های اساسی و بنیادی است. نویسندگان در این مقاله این‌طور نتیجه می‌گیرند که انقلابی‌گری به‌عنوان دال مرکزی چرخه مدیریت تمدن اسلامی و مراحل تشکیل آن خصوصاً در سه حوزه نظام‌سازی، دولت‌سازی و جامعه‌پردازی، نمود داشته و نظام انقلابی ضرورتی انکارناپذیر برای تداوم و حفظ پویایی نظام و نیز محقق شدن حکمرانی اسلامی است.

قربانی و محمدی الموتی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «ابعاد، شاخص‌ها و الزامات نظریه نظام انقلابی» با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی معتقدند این نظریه دارای سه بُعد اندیشه‌ای، گرایشی و عملی یعنی اندیشه انقلابی، روحیه انقلابی و عمل جهادی است و ضمن تشریح این ابعاد، شاخص‌های متناظر با هر کدام از آن‌ها را استخراج و الزامات عملی تحقق آن‌ها را تبیین کرده است. نویسندگان مقاله در پایان، این‌طور نتیجه می‌گیرند که نظریه نظام انقلابی مبانی نظری و عملی اداره نظام و کشور را به شیوه‌ای انقلابی فراهم می‌کند.

اکبری (۱۳۹۸) در مقاله «الگوی نظام انقلابی تمدن‌ساز و بیانیه گام دوم انقلاب» معتقد است، انقلاب اسلامی پس از گذشت یک دوره چهل ساله و برخلاف دشمنی‌های نظام سلطه با تشکیل حکومت جمهوری اسلامی و پشت سر گذاشتن جنگ و تحریم و فشارهای سیاسی و تهدیدها، توانست موجب افزایش امید مستضعفان و ملت‌های تحت سلطه شود و اینک در تلاش است در گام دوم انقلاب اسلامی با شعار خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی به دنبال تکمیل پروژه حکومت و کشور اسلامی برای تحقق فرایند تمدن نوین اسلامی است.

در این مقاله، شاخص‌های تمدن‌ساز نظام انقلابی از دید امامین انقلاب و برخی اندیشمندان اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. در این شاخص‌ها، محوریت قوانین قرآن برای هم‌افزایی دو مجموعه مدیریت جهادی و الزامات نظام انقلاب با همدیگر در تعامل خواهند بود تا نظام انقلابی یا حکومت اسلامی را برای شکل‌دهی جامعه یا کشور اسلامی مهیا کنند. درمجموع در بین آثار موجود، پژوهشی که به تبیین ابعاد و مؤلفه‌های نظریه «نظام انقلابی» در چهارچوب دیدگاه‌های امامین انقلاب و بر مدار و محور آن به تبیین مؤلفه‌ها و شاخصه‌های این نظریه بپردازد وجود ندارد که از این حیث پژوهش حاضر اثری جدید و متمایز به نظر می‌رسد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این مقاله توصیفی-تحلیلی و به لحاظ روش‌شناسی تحقیق، بر مبنای تحلیل مضمون داده‌های کیفی است. روش گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از نظرات خبرگان حوزه علوم سیاسی با کاربست بیانات مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) به‌ویژه در بیانیه گام دوم انقلاب، است. از همین رو، ابتدا نظریه نظام انقلابی به ابعاد آن تجزیه شده و سپس با تتبع در بیانات مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی)، مؤلفه‌های آن استنباط و استخراج شده است. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز نیز به روش کتابخانه‌ای (اسناد و مدارک مکتوب مانند کتب داخلی، مجلات تخصصی و مقالات) و نیز از اطلاعات شبکه جهانی اینترنت فراهم و گردآوری شده است. قلمرو موضوعی و محدوده مطالعاتی پژوهش تبیین ابعاد و مؤلفه‌های نظریه نظام انقلابی براساس دیدگاه‌های امامین انقلاب اسلامی و با نگاه مقایسه‌ای با سایر نظریه‌های انقلاب و قلمرو مکانی آن، کشور ایران و در ابعاد آینده‌پژوهانه کل جهان اسلام و بشریت را شامل می‌شود. همچنین محدوده زمانی پژوهش نیز از شروع امواج انقلاب اسلامی در دهه ۴۰ شمسی تا تحقق تمدن نوین اسلامی را در برمی‌گیرد.



۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. ابعاد و مؤلفه‌های نظریه نظام انقلابی

نظریه «نظام انقلابی» بسان بسیاری از نظریه‌های مطرح‌شده پیرامون انقلاب، دارای وجوه و ساحت‌های متعددی است. برخی از ابعاد نظریه، ناظر بر حوزه فکری و اندیشه‌ای است که بسان پشتوانه تئوریک آن بوده و عمده‌تأ متکی و مبتنی بر دیدگاه‌های اسلام ناب و نیز امامین انقلاب اسلامی است. برخی از ابعاد دیگر نظریه، ناظر بر حوزه عملکردی و اجرایی آن بوده و برخی از ابعاد دیگر نظریه نیز بر وجوه آینده‌پژوهانه و آرمانی نظریه متمرکز است.

۴-۲. وجوه فکری فلسفی

در وجوه فکری و فلسفی نظریه نظام انقلابی، مبانی هستی‌شناسانه این نظریه مشخص می‌شود. در حقیقت، در این وجه نظریه است که مشخص می‌شود نظام انقلابی چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست. مبانی و مشخصات این وجوه از نظریه را می‌توان چنین برشمرد:

۱. نفی ایدئولوژی‌های چپ و راست: انقلاب اسلامی در شرایطی به پیروزی رسید که دوران سلطه همه‌جانبه مکاتب لیبرالیسم و سوسیالیسم بود، چنان‌که در بیانیه گام دوم آمده است که «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد، چهارچوب‌ها را شکست، کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید.» در چنین شرایطی، معمولاً انقلاب‌هایی که در دنیا به وقوع می‌پیوستند به یکی از دو قطب بلوک‌بندی متمایل می‌شدند. با فروپاشی شوروی سابق و درواقع بلوک شرق در سال ۱۹۹۱، تنها بلوک غرب و اندیشه لیبرال‌دموکراسی به‌عنوان نظریه پیروز و فاتح مطرح شد که نظریه «پایان تاریخ» فوکویاما مؤیدی بر این دیدگاه بود. انقلاب اسلامی ایران اما در مقابل این دوگانه موجود در تئوری‌های انقلاب، راه سومی نشان داد که هم در فرایند پیروزی و هم در عرصه نظام‌سازی و نیز آرمان‌ها و ایدئال‌ها، متکی و وابسته به هیچ‌یک از این دیدگاه‌ها و مکاتب نیست. رهبری معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در این خصوص فرمودند: «چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشاندن این صدای جدید و متفاوت،

تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هر چه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه انقلاب و چهل دهه فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست‌وپنجه نرم می‌کند» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بهمن ۱۳۹۷).

۲. عدم چرخش ایدئولوژیک: یکی از نظریه‌های مشهور در زمینه وقوع انقلاب‌ها، نظریه «کرین بریتون» است که به نظریه «چرخشی انقلاب‌ها» و نیز نظریه «ترمیدور» شهرت یافته است. بریتون در کتاب کالبدشکافی چهار انقلاب، به مقایسه چهار انقلاب بزرگ فرانسه، روسیه، انگلستان و آمریکا می‌پردازد و کوشیده است با مقایسه شرایط وقوع انقلاب در این چهار کشور، به دلیل شباهت‌هایی که دارند برخی همسانی‌ها و قواعد را در انقلاب‌ها کشف کند. روشی که بریتون در این کتاب به کار می‌گیرد، تاریخی-مقایسه‌ای همراه با تمثیل پزشکی و استفاده از استعاره تب است. او انقلاب را به مثابه یک بیماری می‌داند که مراحل خاصی دارد. این مراحل از بروز نخستین نشانه‌های بیماری آغاز می‌شود و پس از طی مراحل به نقاهت و سرانجام بازگشت به شرایط عادی منتهی می‌شود (بریتون، ۱۳۶۲: ۸۰-۱۰۸).

«ترمیدور» بیانگر پایان دوره بحران انقلابی و درواقع، یک دوره نقاهت پس از فرونشستن تب انقلابی است. پس از دوره استقرار و عصر وحشت، ترمیدور آغاز می‌شود. در این دوره، ابتدا همه میانه‌رو و سپس محافظه‌کار شده تا این‌که در نهایت با بازگشت دیکتاتوری و سلطنت، همه بازمانده‌های نظام پیشین بر سرکار می‌آیند (عبدالعلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۹۰). از نظر بریتون، براساس مقوله چرخش انقلاب‌ها، در هر انقلاب مراحل طی می‌شود و پس از فراز و نشیب‌هایی در نهایت اصول حاکم بر آن انقلاب به اصول حاکم بر پیش از انقلاب تغییر جهت می‌دهد. از این‌رو، ارزش‌های انقلاب هم دچار تغییر شده و به ارزش‌های پیش از انقلاب بازمی‌گردد (شبان‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۲۴).

نظریه نظام انقلابی، بدون تحریف آرمان‌ها و ارزش‌های خود و نیز نفی هرگونه تجدیدنظرطلبی همچنان به آرمان‌ها و اصول اولیه خود پایبند است. برخلاف نظریه کرین بریتون، در چهارچوب و مبانی فکری امامین انقلاب اسلامی، انقلاب و نظام انقلابی حاصل



«بیماری» و «تب» نیست تا دوره نقاهت و ترمیدور و بازگشت به ارزش‌های پیشین یا عادی‌سازی و عادی‌سازی ارزش‌ها را داشته باشد. در این چهارچوب، انقلاب اسلامی دارای فرایندی تکاملی است که در طی دو سه دهه اخیر بر اثر بیماری‌های تاریخی بر کشور ما عارض شده است. در حقیقت، شعارها و آرمان‌های انقلاب اسلامی (اعم از استقلال، آزادی، عدالت، معنویت) که مبتنی بر فطرت بشری نیز هستند، برای رهایی از بیماری‌های چون استعمار، استبداد، استثمار و معنویت‌ستیزی بوده است که در طی حداقل دو چند دهه قبل از وقوع انقلاب اسلامی بر ملت ایران تحمیل شده بود.

رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) درخصوص تفاوت انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها در زمینه ترمیدور فرمودند: «یک واقعیت شگفت‌آوری در انقلاب ما وجود دارد که این انقلاب را یک حالت استثنایی می‌بخشد و آن این است که در قوانین علوم اجتماعی درباره انقلاب‌ها می‌گویند انقلاب‌ها همچنانی که یک فرازی دارند، اوجی دارند، یک فرودی هم دارند؛ اما انقلاب اسلامی از این تحلیل جامعه‌شناختی به کلی مستثناست؛ در انقلاب اسلامی پادزهر فرود انقلاب در خود این انقلاب گذاشته شده است» (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، ۱۳۸۵/۰۳/۱۴).

۳. عدم عادی‌سازی: در برخی از نظریه‌های انقلاب، آرمان‌ها و ارزش‌های اولیه انقلاب پس از مدتی از حالت اولیه خارج شده و به حالت عادی یا به اصطلاح «عادی» بازمی‌گردند. برخی تحلیل‌گران داخلی براساس چنین نظریه‌هایی از روند عادی‌سازی در ایران پس از انقلاب سخن به میان آورده‌اند.

نیکولاس پولانزاس (۱۹۳۶-۱۹۷۹) نویسنده و جامعه‌شناس یونانی-فرانسوی از دو نوع دولت سخن به میان آورده که عبارت‌اند از: دولت عادی/ بهنجار و دولت استثنایی وی با توضیح مراحل عادی کردن دولت استثنایی، شرح می‌دهد که چگونه می‌شود دولت را پیش‌بینی کرد و حاکمیت قانون ایجاد کرد تا مانع از نوسان‌های دوره‌ای استثنایی شد. درواقع، دولت عادی از نظر او، دولت سرمایه‌داری مردم‌سالار به شمار می‌آید و در نقطه مقابل دولت عادی، دولت استثنایی قرار دارد. پولانزاس چند تفاوت عمده میان دولت استثنایی و دولت

عادی برمی‌شمرد: اول این‌که در دولت‌های عادی، نهادهای نمایندگی مردم‌سالار فعال هستند؛ اما در دولت استثنایی اصل انتخابات به حالت تعلیق درمی‌آید و معمولاً کنترل شده از بالاست. دوم در حالت عادی، انتقال قدرت تابع قانون اساسی و مقررات جاری است و از آنجاکه این انتقال غیرقابل پیش‌بینی و غیرخشونت‌بار است، باعث تثبیت اوضاع می‌شود. در دولت‌های استثنایی حاکمیت قانون به حال تعلیق درمی‌آیند و هرچه تلاش می‌کنند با تغییر قانون اساسی و قوانین اداری، بحران هژمونیک را حل کنند، کم‌تر توفیق می‌یابند؛ پس گذار در این رژیم‌ها خشونت‌بار است. تفاوت دیگر این‌که در دولت‌های عادی، تفکیک رسمی قوا وجود دارد؛ اما در دولت‌های استثنایی، این حالت به هم می‌خورد و مراکز مختلف قدرت و زیردستی به وجود می‌آید، ثانیاً شبکه‌هایی از قدرت موازی شکل می‌گیرد.

نظریه «نظام انقلابی» در مقابل این نظریه و این نوع تقسیم‌بندی از دولت‌ها (به عادی و استثنایی) قرار دارد. نظریه نظام انقلابی دارای روندهای مردم‌سالار و مبتنی بر انتخابات بوده و روند انتقال قدرت و گذار در آن به آرامی و بدون خشونت صورت می‌گیرد. بنابراین برخلاف برخی تحلیل‌گران که نظام انقلابی را نظامی استثنایی و برخلاف روندهای مردم‌سالار در جامعه و برهم زنده وضعیت موجود می‌دانند، بین «جوشش انقلابی» و «نظم سیاسی اجتماعی» تضاد و سازگاری نمی‌بیند؛ چنان‌که رهبری معظم انقلاب (مدظله‌العالی) فرمودند: «انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله افتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بهمن ۱۳۹۷).

۴. تجمیع سیاست و دیانت: از دیگر ابعاد فکری فلسفی نظریه نظام انقلابی، تجمیع و کاربست دیانت در کنار سیاست است. این نظریه برخلاف مسیحیت، نه تنها قائل به تفکیک و جدایی دیانت از حوزه سیاست، اخلاق، فرهنگ و اجتماع نیست، بلکه برخلاف برخی تحلیل‌های رایج سیاسی نیز به طرح جدایی دین از سیاست دچار نشده و نخواهد شد.



دین‌جدایی (دین‌جدایی و دنیاگرایی) معناهای گوناگونی در بین تحلیل‌گران و بعضاً مسلمانان دارد: گاهی برخی مسلمانان تفسیری از اسلام ارائه می‌دهند که پذیرای دین‌جدایی نیز است، به‌عنوان مثال ادعا می‌کنند که اسلام صرفاً ناظر بر اوضاع و احوال خصوصی و ارتباط بین انسان و خدا بوده و ارتباطی به حوزه سیاسی و عمومی ندارد و گاهی مقصود برخی این است که همان‌گونه که مردم‌سالاری اسلامی یا دموکراسی اسلامی داریم، می‌توانیم دین‌جدایی اسلامی داشته باشیم و بنابراین دین‌جدایی با اسلام، منافات ندارد. بدین ترتیب، تفسیری از دین‌جدایی ارائه می‌دهند که با اسلام قابل جمع شدن باشد (یزدانی‌مقدم، ۱۳۸۴: ۸۲). نظریه نظام انقلابی، هرگونه دیدگاه‌های جدایی دین از سیاست را رد کرده و به تجمیع سیاست و دیانت معتقد است و اثبات کارایی و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی در چهل ساله اول تأییدی بر این مدعاست. رهبر معظم انقلاب درخصوص این ویژگی انقلاب معتقدند: «این‌که ما می‌گوییم سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ماست ... معنای واضحی دارد؛ اما یک روی دیگرش این است که سیاست ما باید دین‌دارانه و پرهیزکارانه باشد. هر کار سیاسی‌ای خوب نیست ... کار سیاسی باید متدینانه باشد، همه‌چیزهایی که در شرع حرام است، به توان دو در کار سیاسی باید مورد توجه قرار گیرد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۰۶/۰۵). یا این‌که فرمودند: «این‌که می‌گوییم سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست است، یک طرف قضیه این است که سیاست و بنیان آن باید براساس دین باشد. روی دیگر سکه هم این است که فعالیت سیاسی نمی‌تواند از معیارها و ضوابط دینی و اخلاقی خارج باشد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۱۲/۱۳).

۳-۴. وجوه عملکردی

این وجه از نظریه نظام انقلابی، ناظر به نزول آن از سطح اندیشه‌ای و فکری به سطح اجرایی و عملکردی است. در این عرصه، نظریه عملاً به حوزه اجرایی و عملی تنزل پیدا کرده و زمینه‌های ارزیابی آن در عرصه عمل به‌صورت ملموس‌تری فراهم می‌شود. در این راستا و

براساس دیدگاه‌های مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) و نیز عملکرد نظام سیاسی جمهوری اسلامی، می‌توان عمده‌ترین وجوه عملکردی نظریه «نظام انقلابی» را چنین برشمرد:

۱. نه به ساختارشکنی و ویرانگری: در سیاست داخلی، نظریه «نظام انقلابی» نه اهل تحجر و عقب‌گرد است و نه اهل ساختارشکنی و تغییر بنیان‌برافکنانه وضع موجود. برخی تحلیل‌گران بر این باورند که اساساً «انقلاب» و مفاهیم مرتبط با آن مربوط به دوره اول انقلاب بوده و اکنون دیگر جایی در ساختار و تشکیلات سیاسی ندارد. مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) در همین زمینه فرمودند: «در مجموعه انقلاب، از اوّل انقلاب یک تفکر غلطی وجود داشت و آن این بود که انقلاب، تا وقت تشکیل نظام است؛ وقتی که نظام تشکیل شد و نهادها و مقررات و دیوان‌سالاری و مانند این‌ها مستقر شد، دیگر انقلاب برود دنبال کارش؛ دیگر کاری با انقلاب نداریم؛ انقلاب را هم معنا می‌کنند به تنش و دعوا و سروصدا و کارهای غیرقانونی و از این حرف‌ها. یک چنین تفکری مال امروز نیست و از روز اوّل پیروزی انقلاب یک چنین تفکری وجود داشت؛ این تفکر، غلط است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۳/۷).

نظریه نظام انقلابی، «انقلابی بودن» و «انقلابی ماندن» را در تمام سطوح، لایه‌ها و نیز عمر انقلاب جاری و ساری می‌داند که البته این مترادف ساختارشکنی و ویرانگری نیست؛ همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند: «انقلابی‌گری هم فقط در بستر نظام امکان‌پذیر است، این جور نباشد که بعضی نظام را نفی کنند به‌عنوانی که ما انقلابی هستیم. انقلابی‌گری به معنای ویرانگری نیست. انقلابی‌گری یک مشی صحیح، عاقلانه، پراگیزه و پرامید و شجاعانه به سمت اهداف والا است. این تعریف معنای انقلابی‌گری است و این فقط در بستر و مسیر نظام اسلامی یعنی نظام موجود امکان‌پذیر است. خارج از این امکان‌پذیر نیست. انقلابی‌گری ساختارشکنی نیست؛ تخریب نظام ناشی از انقلاب نیست» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۳/۷).

۲. نه به محافظه‌کاری و هرج‌ومرج طلبی: نظریه نظام انقلابی در مقام عمل در مقابل دو مکتب محافظه‌کاری و هرج‌ومرج طلبی قرار می‌گیرد. جریان و مکتب محافظه‌کاری (Conservatism) در واقع در واکنش به لیبرالیسم، جریان عقل‌گرایی و جنبش روشنگری در



غرب سر برآورد و درواقع واکنشی به انقلاب فرانسه و بسترهای فکری منتهی به این انقلاب بود. این ایدئولوژی بر قداست سنت‌ها، مالکیت، خانواده، سلسله‌مراتب اجتماعی، مذهب، دولت و دیگر نهادهای جاافتاده و قدیمی تأکید داشته و با هرگونه طرح و اندیشه خیالی و انقلابی برای ایجاد دگرگونی‌های عمیق در این نهادها مخالفت می‌ورزد.

«ادموند برک»، به‌عنوان «پدر محافظه‌کاری» انقلاب را اساساً اقدامی غیرعقلانی و خیال‌آلود می‌دانست که با وعده ترقی و بهبودی وضع موجود، سرانجام وضع بدتری رقم می‌زند و تباهی به بار می‌آورد.

هرج و مرج طلبی (Anarchism) یا اقتدارگریزی نیز نوعی فلسفه و جنبش سیاسی است که نسبت به انحصارطلبی در قدرت ضدیت دارد و همه شکل‌های اجبار و سلسه‌مراتب را رد می‌کند. در عرصه بین‌المللی هرج و مرج طلبان معتقدند که هیچ رهبر یا اقتدار مافوقی در نظام بین‌الملل وجود ندارد. در چنین وضعیتی، هیچ حاکمیت جهانی یا حکومت جهانی وجود ندارد.

نظریه «نظام انقلابی» در مقابل هر دو نظریه فوق در عرصه عمل قرار می‌گیرد. از یک‌سو، این نظریه برخلاف محافظه‌کاری قائل به حفظ همه میراث‌های گذشته و جاافتاده و قدیمی نیست؛ چراکه بنابر منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است؛ اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست». از طرف دیگر، برخی ممکن است قائل به این باشند که آرمان‌ها و شعارهای انقلاب صرفاً مناسب دوره وقوع انقلاب است و در دوره‌های تثبیت نظام کارایی ندارد. از نظر این گروه تحلیل‌گران بایستی پس از وقوع انقلاب، آرمان‌ها را باید کنار گذاشت یا نسبت به تغییر فرم و شکل آن‌ها همانند بسیاری از انقلاب‌ها که از اصول و آرمان‌های اولیه خود عدول کردند، اقدام کرد.

همچنین از طرفی دیگر، انقلاب اسلامی در قالب نظریه «نظام انقلابی» در عرصه بین‌الملل، اگرچه نسبت به ساختارهای ظالمانه موجود نظام بین‌الملل معترض بوده و آن را ناعادلانه و ظالمانه می‌داند؛ اما در چهارچوب قواعد و ساختارهای بین‌المللی عمل نموده و حرکت‌های

هرج و مرج طلبانه و برهم زنده نظام بین الملل موجود را موجه و عقلانی نمی‌بیند. اگرچه در عرصه آرمانی و ساخت تمدن نوین اسلامی نیز «هدف نهایی انقلاب اسلامی را ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی بر طلوع خورشید ولایت عظمی» دانسته و از این حیث نیز در مقابل نظریه هرج و مرج طلبی قرار می‌گیرد.

۳. نه به نظریه نهادهای انقلاب‌ها: براساس دیدگاه نظریه‌پردازان نظریه نهادهای انقلاب‌ها، هر انقلابی به تدریج از روحیه انقلابی فاصله گرفته و از شور و حرارت می‌افتد و جای خود به نهادهای مستقر می‌دهد. هنری کسینجر، صاحب‌نظر و راهبردنگار آمریکایی در زمینه حرکت دادن نظام اسلامی به سمت نهادهای، مدعی شده بود ما زمانی می‌توانیم جلوی جمهوری اسلامی را بگیریم که جمهوری اسلامی صرفاً به یک کشور تبدیل شود. کشور دارای مفهوم خاصی است و نسبتی ایستا و ساکن دارد و درواقع کشور در چنین موقعیتی دنبال منافع ملی است، از این رو از آرمان‌خواهی در سطوح گوناگون منطقه‌ای و جهانی پرهیز می‌کند. کسینجر و برخی از چهره‌ها و مسئولین غیرانقلابی کشور این جمله را تکرار می‌کنند که ایران باید بین دو گزینه «دولت-ملت» بودن یا «نهضت انقلابی» بودن، یکی را انتخاب کند. برخلاف این، در بیانیه گام دوم انقلاب بر مفهوم راهبردی «نظام انقلابی» تأکید شده است. این دو با هم تناقضی ندارند، چراکه اولی ساختار را نشان می‌دهد و دومی آرمان را.

گرفتن انقلاب از جمهوری اسلامی به معنی گرفتن آرمان و هویت از آن است. نظام انقلابی به معنی جست‌وجوی واقع‌بینانه آرمان‌های یک ملت است (امینی و مبینی، ۱۳۹۸). رهبر معظم انقلاب درخصوص این ویژگی انقلاب اسلامی فرمودند: «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است؛ اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست؛ به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد؛ اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بهمن ۱۳۹۷).



۴-۴. وجه آرمانی

نگاهی به متن و ساختار بیانیه گام دوم انقلاب، نشان‌دهنده آن است که محیط ترسیم‌شده آینده انقلاب اسلامی، متمایز از محیط فعلی است. یعنی مسیر طی شده در چهل سال گذشته انقلاب اسلامی، متمایز از محیط فعلی است. درواقع، سازه اصلی و زیربنایی محیط آینده ایران اسلامی با حادث شدن انقلاب اسلامی پدیدار گشته و این چشم‌اندازسازی صحیح از آینده انقلاب بر مبنای گفتمان متعالی آن است که می‌تواند این ظرفیت‌های بالقوه انقلاب را به فعلیت برساند. در حقیقت، طراحی عالمانه اهداف انقلاب و محدود نکردن آن به یک سری تغییرات محدود سیاسی و اجتماعی، نقطه قوت انقلاب اسلامی است (غفاری و نیکونهاد، ۱۳۹۹: ۴۹۷).

هدف‌گیری نهایی نظریه نظام انقلابی در منظومه فکری و اندیشه‌ای مقام معظم رهبری، شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است. ایشان «ایجاد تمدن درخشان اسلامی» را چشم‌انداز پیش‌روی جهان اسلام معرفی کرده و معتقدند: «پیشرفت همه‌جانبه را به‌معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم، بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ این جور بگوییم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

شاخصه اصلی تمدن نوین اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب، تعالی و سعادت انسان‌ها است. در این تمدن نوین اسلامی، می‌توان به‌موقعیتی رسید که سال‌ها تمدن غرب داعیه رسیدن به آن را دارد. در حقیقت، در سایه نظریه «نظام انقلابی» است که می‌توان به آزادی و حقوق شهروندی، برابری، نظم و شریعت‌گرایی فارغ از تحجر و جمود رسید که همان تحقق تمدن انقلابی است (غضنفری، ۱۳۹۷: ۲۳۶). نظریه نظام انقلابی درواقع موتور محرکه حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی در آینده تلقی می‌شود. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) درخصوص نقش‌آفرینی این نظریه در زمینه تحقق تمدن نوین اسلامی فرموده‌اند: «در این جهاد بزرگ، کار اصلی شما این خواهد بود که چگونه آزادی و حقوق اجتماعی منهای لیبرالیسم و برابری منهای مارکسیسم، نظم منهای فاشیسم غرب را نهاده‌ای کنید؛ چگونه تقید خویش به شریعت

مترقی اسلام را حفظ کنید، بی آنکه گرفتار جمود و تحجر شوید؛ چگونه مستقل شوید، بی آنکه منزوی شوید؛ چگونه پیشرفت کنید، بی آنکه وابسته شوید؛ چگونه مدیریت علمی کنید، بی آنکه سکولاریزه و محافظه کار شوید» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

جدول ۱: مضامین نظریه نظام انقلابی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
نظریه نظام انقلابی	وجوه فکری فلسفی	نفی ایدئولوژی های چپ و راست
		عدم ترمیدور و چرخش ایدئولوژیک
		عدم عادی سازی
		تجمیع سیاست و دیانت
	وجوه عملکردی	نه به ساختارشکنی و ویرانگری
		نه به محافظه کاری و هرج و مرج طلبی
		نه به نظریه نهادسازی انقلاب ها
	وجه آرمانی	تمدن نوین اسلامی

۵. نتیجه گیری و پیشنهاد

در چهارچوب نظریه امام و امت، رهبر انقلاب طبق اجتهادی انقلابی مفاهیم انقلابی را بازتولید و بسط معنایی می دهد. از همین رو، در ساحت اندیشه های انقلابی معانی و مفاهیم تازه ای خلق شده و مسیرهای جدیدی فراوری انقلاب متناسب با شرایط متحول جهانی شکل می گیرد. در چنین شرایطی است که سطوح متکامل تری از انقلاب بازتولید می شوند. یکی از مفاهیم جدید انقلاب که توسط مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم مورد استفاده قرار گرفت و افق های جدیدی فراوری انقلاب اسلامی گشود، کاربرد و تعبیر «نظام انقلابی» است. نظریه «نظام انقلابی» برخلاف ظاهر آن، مفهومی متناقض و متعارض نیست، بلکه به نوعی برآورد و دستاورد چهل ساله انقلاب اسلامی و نیز چراغ راه انقلاب در چهل سال آینده در گام دوم است. این نظریه درواقع، نشانه زاینده گی انقلاب اسلامی و تداوم و تکامل آن فارغ از تحجر



و جمود، تجدیدنظرطلبی یا محافظه‌کاری و یا رویکردهای آنارشیستی و نیز سکولاریستی است.

نظریه نظام انقلابی سه وجه اساسی فکری - فلسفی، عملکردی و آرمانی دارد. در وجه فکری - فلسفی، انقلاب اسلامی راه سومی در مقابل انقلاب‌های وابسته به ایدئولوژی‌های مارکسیستی و لیبرالیستی بود که به هیچ‌یک از بلوک‌های غرب و یا شرق وابسته نبود و نیست. همچنین براساس یکی دیگر از شاخصه‌های فکری - فلسفی، انقلاب اسلامی در مسیر تکاملی خود برخلاف برخی انقلاب‌ها همچون انقلاب فرانسه ۱۹۷۹، دچار چرخش انقلابی نمی‌شود. به علاوه سرشت و ماهیت انقلاب اسلامی به گونه‌ای است که با گذشت زمان به عادی‌سازی دچار نشده و به تعبیری عادی نخواهد شد. همچنین در حوزه فکری و فلسفی با تجمیع سیاست و دیانت و با تعبیه راه سومی برخلاف لیبرالیسم و سوسیالیسم، به دین‌جدایی ختم نشده و دین‌جدایی سرنوشت محتوم آن نیست.

در حوزه عملکردی نیز، نظریه «نظام انقلابی»، ضمن اعتراض به وضعیت ناعادلانه ساختار موجود بین‌المللی، نه دچار خط تحریف برهم‌زننده وضعیت موجود می‌شود و نه به انحراف انفعال و در خود ماندن نظام‌های محافظه‌کار و ارتجاعی تن می‌دهد. در این چهارچوب، نظریه «نظام انقلابی»، برخلاف برخی از نظریه‌های انقلاب، این‌گونه نیست که به تدریج از روحیه انقلابی فاصله گرفته و از شور و حرارت بیفتد و جای خود را به نهادهای مستقر و تحقق «کشور» بدهد؛ به عبارت دیگر، با تأکید بر اصول و آرمان‌های خویش که مطابق با فطرت بشری نیز است، کماکان خواهان تحول‌خواهی و تحقق ایده‌های آرمانی مبتنی بر شریعت ناب محمدی (ص) و فقه پویای شیعی است که آن را از افتادن در ورطه مادی‌گرایی صرف و بسندگی به وضع موجود رهایی می‌بخشد.

نظریه «نظام انقلابی» در مرحله تکمیلی و تکاملی خویش و به عبارتی در وجه آرمانی، به دنبال تحقق تمدن نوین اسلامی است. اکنون انقلاب اسلامی با گذر از دو مرحله «انقلاب» و «نظام اسلامی» در مرحله «دولت اسلامی» به عنوان مرحله میانی و پل عبور به مرحله جامعه‌سازی و تمدن اسلامی قرار دارد که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) از آن تعبیر به «دولت

انقلابی» کرده‌اند. بنابراین شرط رسیدن به مرحله جامعه اسلامی و تمدن اسلامی، عبور موفق و کارآمد از مرحله دولت‌سازی یا شکل‌گیری دولت انقلابی است. با نظریه «نظام انقلابی» است که انقلاب اسلامی با گذار از مراحل پنج‌گانه انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی به مرحله نهایی تمدن اسلامی خواهد رسید. پس در همین چهارچوب است که آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی در حوزه سیاست داخلی، منطقه‌ای و جهانی بدون تغییر در محتوا پیگیری خواهد شد تا تحقق هدف متعالی انقلاب که همان تحقق تمدن درخشان اسلامی و نیز زمینه‌سازی برای ظهور انقلاب جهانی حضرت حجت (عج) است، فراهم شود.

۵-۱. پیشنهادهای پژوهش

- با توجه به موضوع پژوهش، برخی از پیشنهادهای این پژوهش به شرح زیر است:
- ✓ تقویت مؤلفه‌های تقوا، تعهد و وجدان کاری در بین کارگزاران انقلاب اسلامی؛
 - ✓ ایجاد تفاهم و اجماع و وفاق ملی در بین صاحب‌نظران، شخصیت‌ها، نخبگان و کارگزاران انقلاب اسلامی؛
 - ✓ تبیین مبانی علمی نظریه «نظام انقلابی» در ابعاد اجتماعی، حقوقی، سیاسی و ...؛
 - ✓ تقویت تعامل و گفت‌وگوی بین‌نسلی در راستای اجرایی شدن آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی در گام دوم؛
 - ✓ تبیین نسبت نظریه نظام انقلابی با جامعه‌پردازی، دولت اسلامی و نیز تمدن نوین اسلامی؛
 - ✓ زمینه‌سازی برای اجرای الزامات ساختاری، تربیتی و فرهنگی، مدیریتی و نیز گفتمانی نظریه نظام انقلابی؛
 - ✓ تبیین و اجرای سازوکارهای ضروری نظریه نظام انقلابی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی در جامعه.



فهرست منابع

- اکبری، حسین (۱۳۹۸). *الگوی نظام انقلابی تمدن‌ساز و بیانیه گام دوم انقلاب*، اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن‌ساز، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، شماره پیاپی ۱.
- امینی، سیدجواد؛ مبینی، محمد (۱۳۹۸). *تبیین مفهوم راهبردی نظریه نظام انقلابی در جمهوری اسلامی ایران*، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، پاییز ۱۳۹۸، سال هشتم، شماره ۳۰.
- بریتون، کرین (۱۳۶۲). *کالبدشکافی چهار انقلاب*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نو.
- بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (۱۳۹۷). تهران: دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۸). *اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۷۸). *چهارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی ایران*، تهران: نشر اندیشه معاصر.
- حسین‌زاده، حامد؛ محمدزاده، علی؛ رازانی، احسان؛ مطلبی، مسعود (۱۴۰۰). *شناسایی و اعتبارسنجی شاخص‌های نظام انقلابی در اندیشه امام خامنه‌ای درصدد برآمده با استفاده از رویکرد هرمنوتیک زمینه‌گرا و روش دلفی*. فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، تیرماه ۱۴۰۰، شماره ۲.
- خمینی (ره)، روح‌الله (۱۳۷۹). *صحیفه امام*، جلد‌های ۱-۲۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۹). *درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)*، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شبان‌نیا، قاسم (۱۳۹۱). *ارزیابی نظریه چرخش انقلاب و تطبیق آن بر انقلاب اسلامی ایران*، معرفت سیاسی، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، سال چهارم، شماره دوم.
- عبدالعلی‌پور، قادر؛ متکی، منوچهر؛ حسینی، محمدرضا؛ سعیدی، علی؛ مقدم‌فر، حمیدرضا؛ ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۹). *ارائه الگوی راهبردی سیر تکوین انقلاب اسلامی براساس قانون اساسی و تجارب موفق نظام جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه علمی امنیت ملی، زمستان ۱۳۹۹، سال دهم، شماره ۳۸.

- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۱). *انقلاب اسلامی ایران (علل، مسائل و نظام سیاسی)*، قم: معارف.
- غضنفری، عزیز (۱۳۹۷). *ایران در چهل سالگی انقلاب*، قم: زمزم هدایت.
- غلامی، محمدصادق؛ سعیدی شاهرودی، علی (۱۴۰۰). *شناسایی و تبیین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های گفتمان انقلابی گری از دیدگاه امامین انقلاب*، فصلنامه علمی امنیت ملی، بهار ۱۴۰۰، سال یازدهم، شماره ۳۹.
- غفاری، هشجین؛ نیکونهاد، ایوب (۱۳۹۹). *تحلیل آینده‌نگارانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی*، دوفصلنامه علمی دانش سیاسی، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، سال شانزدهم، شماره ۲.
- قربانی؛ مصطفی، محمدی الموتی؛ محسن (۱۳۹۸). *ابعاد، شاخص‌ها و الزامات نظریه نظام انقلابی*، دوفصلنامه علمی تخصصی اندیشنامه ولایت، بهار و تابستان ۱۳۹۸، سال پنجم، شماره ۹.
- مظاهری‌سیف، حمیدرضا (۱۳۸۲). *از عرفان تا سیاست در اندیشه امام خمینی (ره)*، مجموعه مقالات کنگره اندیشه‌های اخلاقی عرفانی امام خمینی (ره)، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۱۰.
- یزدانی‌مقدم، احمد (۱۳۸۴). *دین‌جدایی و سکولاریزاسیون*، فصلنامه علوم سیاسی، زمستان ۱۳۸۴، سال هشتم، شماره ۳۲.